

## کمی منطق و متانت لطفا!

سه شنبه دوازدهم آذر ۱۳۸۷

جمعی از فعالین کارگری



دوستان "کمیته هماهنگی" (طرفداران لغو کار مزدی) از مقاله ای که در نقد نظراتشان پیرامون "اشغال کارخانه ها" (یا اگر ترجیح می دهند تصرف کارخانه) نوشته ایم، سخت برآشفته شده اند. گناه ما چیست؟ شما داشتید خواب می دیدید و در خواب، بلند بلند حرف می زدید. ما فقط تکانتان دادیم و گفتیم بیدار شوید. اینکه عصبانیت ندارد. نمی خواهید، دوباره بگیرید بخوابید.

این دوستان ما را متهم کرده اند که حرفهایشان را تحریف کرده ایم و حتی يك نقل قول هم از نوشته هایشان نیاورده ایم. حق با آنهاست که ما گفته ای را از نوشته هایشان نقل نکرده ایم. ولی این فقط يك علت دارد. ما مجبور بودیم كل يك نوشته (تحت عنوان «باز هم در ضرورت تصرف کارخانه های در حال تعطیل» - ۸ آبان ۱۳۸۷) که ایده و نگرش "کمیته هماهنگی" در سراپای آن تنیده شده بود را ضمیمه نقد خود می کردیم؛ که با توجه به قابل دسترس بودن آن نوشته در بخش آرشیو سایت های مختلف کارگری و سیاسی، لزومی به انتشار مجدد آن ندیدیم. در همین زمینه، ما را متهم کرده اند که عبارت به دست گرفتن مدیریت تولید و توزیع محصولات کارخانه را به عنوان یکی از اهداف آنها (بدون ذکر پیش شرط وجود یک قدرت متشکل و شورایی کارگران) آورده ایم و این جعل نظرات آنهاست. دوستان، خواهشمندیم خواب خود را از آنچه هست عجیب و غریب تر نکنید! چیزی که ما نوشتیم، نتیجه منطقی كل نوشته شماست. این قدرت متشکل و شورایی کارگران عبارت عجیب کشداری است! آیا منظور چیزی در حد «قدرت دوگانه» است؟ اگر آن است چرا صاف و ساده به زبان نمی آورید؟ آیا غیر از اینست که همه معنی قدرت دوگانه را می فهمند و آن را با شرایط خاص استثنایی در دوره های اعتلای انقلابی معنا می کنند؟ آیا این قدرت متشکل و شورایی در یک نظام استبدادی صرفا با همین فشارهای از پایین (در حد اعتراضات خودجوش کارگری) و آنطور که شما تصور می کنید در نتیجه حرکت خودبخودی خود کارگران، شکل خواهد گرفت؟ آیا جز اینست که بدون دخالت موثر و اعمال رهبری عنصر آگاه (پیشاهنگ انقلابی طبقه کارگر) همه اینها خواب و خیال خواهد بود؟ آنچه ما رویش انگشت گذاشتیم دقیقا معنی (و ادامه) ایده و طرح «اشغال (تصرف) کارخانه» در شرایط واقعی و کنونی جامعه ایران است و نه در دوران اعتلای انقلابی. تازه، بر مبنای دیدگاه شما که با حذف حزب پیشاهنگ انقلابی مشخص می شود، حتی اگر اعتلای انقلابی هم پیش بیاید، نتیجه کار پیشاپیش معلوم است. وقتی که شما مقاله می نویسید و کارگران را با تخیل در مورد کارهایی که می شود کرد و تا به حال نشده است فرا می خوانید، ما هم حق داریم حرفهایتان را روی زمین و در صورت تلاش برای عملی کردنش، برای همه (منجمله خودتان) معنی کنیم. يك موضوع دیگر که در حمله "کمیته هماهنگی" (طرفداران لغو کار مزدی) به انتقادات ما جلب نظر می کند، حدس و گمان های آنها در مورد هویت ماست! بی جهت نیست که در بخشی از نوشته خود، عبارتی را به کنایه نقل می کنند

که به خیال خودشان قبلا از جانب ما مطرح شده است. گویی دارند با ایماء و اشاره به ما حالی می کنند که شما را خوب می شناسیم! اولاً، اشتباه گرفته اید دوستان. ثانیاً، این حدس و گمان ها به پیشداوری دامن می زند و چشم شما را بر نقاط ضعف و اشکالاتتان می بندد. نمی گذارد که در نظرات و نقدهای ما و دیگران بگردید و حداقل یکی دو نکته را درست ببابید. در واقع، شما با این حدس و گمان ها، پیشاپیش تکلیف يك مقاله را برای خود روشن کرده اید. ما اینطور برخوردار نمی کنیم. برای مثال، وقتی که با نقدی که بر گفت و گوی عباس عبدی با دو نفر از فعالان سندیکای شرکت واحد نوشته شده بود روبرو شدیم، نکات مثبت گوناگونی که در آن بود را توانستیم ببینیم. اتفاقاً نکته ای که در مقدمه مقاله ”جنبش کارگری و ایده اشغال کارخانه“ آمده (در ارزیابی مثبت از تلاش بیشتری که امروز فعالان کارگری برای ربط دادن طرح ها با سیاست ها و دیدگاه های طبقاتی از خود بروزمی دهند)، با نگاه به آن نقد بوده است.

چیزی که ما بر آن اصرار داریم دقیقاً همین است که در پشت هر ایده و طرحی باید گرایش و محتوای طبقاتی معینی را جستجو کرد. ما در ایده ”اشغال کارخانه“ (یا تصرف کارخانه)، گرایش و محتوای معینی را می بینیم که نیاز به بررسی و نقد دارد. این گرایش در همین نوشته جدید شما که در آن ما را مورد حمله قرار داده اید به ناگزیر بروز کرده است. شما در اینجا نیز به عنوان پایه استدلال خود در مورد تصرف کارخانه گفته اید که کارخانه مال کارگران است. دقت کنید چه نوشته اید: **اگر از «اشغال» کارخانه ها سخن بگوییم به این ترتیب پذیرفته ایم که کارخانه از آن سرمایه دار است و کارگران چیزی را که از آن خودشان نیست به اشغال خود در آورده اند.** ما می گوییم همین حرف بازتاب يك گرایش تنگ نظرانه است. اولاً چرا فقط کارخانه، مال کارگران است؟ چرا این حرف را در مورد حیطه های دیگر حیات اقتصادی و سیاسی و فرهنگی جامعه نمی زنید و حرف از تصرف آنها به میان نمی آورید؟ ثانیاً وقتی که شما می گوئید کارخانه مال کارگران است در واقع منظورتان ”این کارخانه معین“ مال ”این کارگران معین“ است! در نگرش شما، رسالت و نقش و منافع کلی طبقه کارگر در انقلاب اجتماعی غایب است و جایش را منافع این یا آن گروه از کارگران آنهم به شکلی محدود و فوری گرفته است. اگر طبقه کارگر آفریننده همه چیز است (آن طور که در نوشته های قبلی خود بر این پایه استدلال کرده اید) پس چرا فقط این یا آن کارخانه و این یا آن کارگران؟ ما می گوییم که این نگرش و گرایش تنگ نظرانه متعلق به طبقه کارگر نیست حتی اگر از زبان این یا آن کارگر بیرون بیاید. ما تلاش کردیم نشان دهیم که چطور يك طرح توهم آمیز و ظاهراً آنارکو رادیکال می تواند در دنیای واقعی به تقویت طرح های بزرگتر بورژوازی حاکم بینجامد و گروهی از کارگران را برای مدتی به وردست سرمایه داری در شرایط بحران تبدیل کند. کاری که ما در آن نقد کردیم، تعبیر و تفسیر خواب های شما نبود. ما فقط تلاش کردیم مضمون حرف های بلند بلند شما در خواب را مورد بررسی و انتقاد قرار دهیم. از این به بعد نیز چنین خواهیم کرد.

”جمعی از فعالین کارگری“

آذر ماه ۱۳۸۷

[Jafk.blogfa.com](http://Jafk.blogfa.com)

[Kargarn\\_fa@yahoo.com](mailto:Kargarn_fa@yahoo.com)